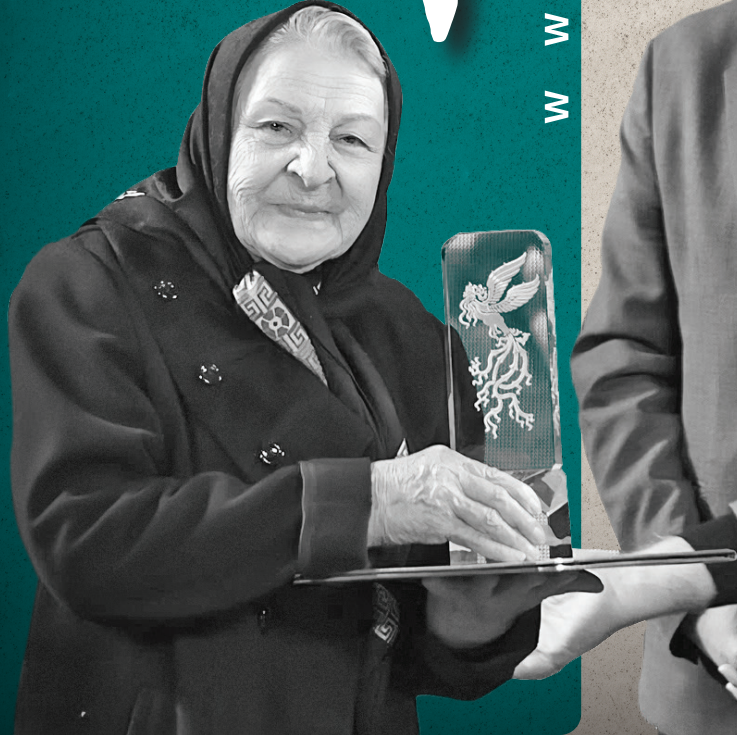


بزرگداشت آیتلا چینی در روز دهم برگزار شد

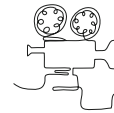
برای یک عمر

w w w . f a j r f i l m f e s t i v a l . c o m



ف

روزنامه چهل و چهارمین جشنواره ملی فیلم فجر | سه شنبه ۲۱ بهمن ۱۴۰۴



سینما، کلاس درس فراموش شده



علیرضامنادی سفیدان
رئیس کمیسیون آموزش
و تحقیقات مجلس

گفتمان ملی نه در بیانیه‌ها شکل می‌گیرد و نه صرفاً در رسانه‌های رسمی، بلکه در فرآیند آموزش اجتماعی ساخته می‌شود؛ جایی که نسل جدید یاد می‌گیرد چگونه به خود، جامعه و آینده‌اش نگاه کند. مدرسه و دانشگاه، اصلی‌ترین بسترهای این آموزش‌اند، اما در جهانی که تصویر بر متن غلبه یافته، سینما به یکی از مؤثرترین «کلاس‌های غیررسمی» تربیت شهروند تبدیل شده است. از این منظر، سینما می‌تواند نقشی کلیدی در شکل‌دهی گفتمان ملی ایفا کند؛ به شرط آنکه جدی گرفته شود.

سینما قدرت آن را دارد که مفاهیمی را آموزش دهد که کتاب‌های درسی از بیان مستقیم آن‌ها ناتوانند؛ مفاهیمی مانند مسئولیت اجتماعی، قانون‌پذیری، عدالت، همدلی و مواجهه با تفاوت‌ها. دانش‌آموز و دانشجو، بیش از آنکه با حفظ تعاریف این مفاهیم به آن‌ها باور پیدا کند، از طریق روایت و تجربه احساسی با آن‌ها ارتباط برقرار می‌کند. فیلم، دقیقاً در همین نقطه وارد عمل می‌شود؛ تبدیل آموزش انتزاعی به تجربه زیسته.

در مدرسه، سینما می‌تواند ابزار تربیتی باشد، نه سرگرمی جانبی. یک فیلم درست انتخاب‌شده، می‌تواند آغازگر بحث‌های کلاسی درباره تاریخ، هویت ملی، اخلاق اجتماعی یا حتی ناکامی‌ها و امیدهای جمعی باشد. وقتی دانش‌آموز درباره یک شخصیت سینمایی قضاوت می‌کند، در واقع در حال تمرین قضاوت اجتماعی است؛ مهارتی که زیربنای شکل‌گیری گفتمان ملی پایدار محسوب می‌شود.

در دانشگاه، سینما نقش متفاوت‌تری پیدا می‌کند. اینجا فیلم به ابزار تحلیل تبدیل می‌شود؛ ابزاری برای فهم سازوکار قدرت، بازنمایی جامعه، تضادهای طبقاتی و روایت‌های رقیب از واقعیت. دانشجویی که یاد می‌گیرد یک فیلم را تحلیل کند، در واقع می‌آموزد چگونه روایت‌های رسمی و غیررسمی را تفکیک کرده و موضع خود را آگاهانه انتخاب کند. چنین آموزشی، مستقیماً با تقویت عقلانیت جمعی و گفتمان ملی در ارتباط است.

نکته مهم آن است که سینما، اگر در پیوند با نظام آموزشی قرار نگیرد، به رسانه‌ای خنثی یا حتی مخرب تبدیل می‌شود. فقدان سیاست فرهنگی روشن برای استفاده آموزشی از سینما، باعث می‌شود این ظرفیت عظیم یا نادیده گرفته شود یا صرفاً به مصرف سرگرمی تقلیل یابد. در حالی که پیوند هدفمند سینما با مدرسه و دانشگاه، می‌تواند به بازتولید آگاهانه ارزش‌های مشترک و افزایش انسجام اجتماعی کمک کند.

اگر گفتمان ملی را فرآیندی زنده و در حال شکل‌گیری بدانیم، سینما یکی از معدود ابزارهایی است که می‌تواند آموزش رسمی را به تجربه اجتماعی پیوند بزند. قرار گرفتن آگاهانه سینما در کنار مدرسه و دانشگاه، امکان تربیت نسلی را فراهم می‌کند که نه تنها مصرف‌کننده روایت‌ها، بلکه فهم‌کننده و منتقد آن‌هاست. در چنین مسیری، سینما به جای آنکه در حاشیه آموزش بماند، به یکی از مؤلفه‌های مؤثر در ساخت ذهنیت جمعی و انسجام ملی بدل می‌شود.

شهردار تهران در خانه جشنواره



علیرضا زاکانی، شهردار تهران به همراه گروهی از مدیران شهرداری پیش از ظهر دوشنبه ۲۰ بهمن در خانه جشنواره حاضر شد و بعد از تماشای فیلم سینمایی «سرزمین فرشته‌ها» و گفت‌وگو با عوامل سازنده این اثر، به پرسش‌های خبرنگاران پاسخ داد.

شهردار تهران درباره برگزاری این دوره جشنواره عنوان کرد: جشنواره چهل و چهارم فیلم فجر رویداد پرشوری بود، هم فیلم‌هایی که در این دوره حضور دارند، آثار خوبی هستند هم اسقبالی که از این دوره شد بسیار ویژه بود. من از مدیران محترم وزارت ارشاد به ویژه آقای شاهسوری که زحمت کشید و اداره جشنواره را برعهده داشت، تشکر می‌کنم.

زاکانی درباره برخی واکنش‌ها نسبت به آثار جشنواره هم گفت: معلوم است اگر کار خوبی در ایران انجام شود، کسی که علاقه نداشته باشد ملت ایران بر قله بنشینند، ناراحت می‌شود؛ این رفتار نیز از این جنس کارهاست. یعنی در حقیقت خلق هنر توسط هنرمندانی که دغدغه‌های عمیق فرهنگی و انسانی دارند در چشم دشمنان ایران طور دیگری جلوه می‌کند. من معتقدم هرچقدر اقبال به جشنواره بیشتر باشد، باعث می‌شود خالقان آثار هنری و متولیان جشنواره با دلگرمی مسیرشان را ادامه دهند.

وی درخصوص عملکرد شهرداری تهران در پروسه تولید برخی از آثار حاضر در جشنواره امسال گفت: ما در این دوره جشنواره ۴ اثر داشتیم که البته شهرداری دخالتی در روند تولید و مضامین آثار نداشته چون کار ما دخالت در ساخت فیلم نیست. موسسه تصویر شهر و سازمان فرهنگی هنری شهرداری متولی حمایت از این کارها هستند. امسال شاهد رشد چشمگیری در این حوزه بودیم و در اختتامیه جشنواره مشخص می‌شود جنبه هنری آثار و کارکردشان در بین سایر آثار کجاست. اگر داوران جشنواره و منتقدان راجع به کیفیت آثار توضیح دهند، بهتر است.

نمایش فیلم‌های جشنواره برای توانخواهان و معلولان

دو فیلم سینمایی از آثار حاضر در جشنواره فیلم فجر امروز سه‌شنبه ۲۱ بهمن برای توانخواهان و معلولان در باغ کتاب به نمایش درمی‌آید. طبق روایی که طی سال گذشته هم در سینماهای باغ کتاب وجود داشته، روز دوشنبه ساعت ۱۰ صبح فیلم سینمایی «اسکورت» به کارگردانی یوسف حاتمی‌کیا و ساعت ۱۲ فیلم «قایق‌سواری در تهران» ساخته رسول صدرعاملی برای معلولان و توانخواهان روی پرده می‌رود.

نمایش این فیلم‌ها در سالن شماره ۳ سینمای باغ کتاب خواهد بود.

سولاف فواخرچی
لیلا حاتمی، هدیه تهرانی، علی نصیریان
و شهاب حسینی ستاره‌هایی هستند
که دوست‌شان داریم.



صفحه ۳
روزنامه چهل و چهارمین
جشنواره ملی فیلم فجر



ابراهیم حاتمی‌کیا
«محسن روشن» با نگاهی پاکیزه و
گوشی تیز کار می‌کرد و اعتبار حرفه‌ای
خود را با تلاش به دست آورد.



محسن روشن
ابراهیم حاتمی‌کیا را کارگردانی
«صداباز» می‌دانم که نقش زیادی
در بروز خلاقیت صداگذار دارد.

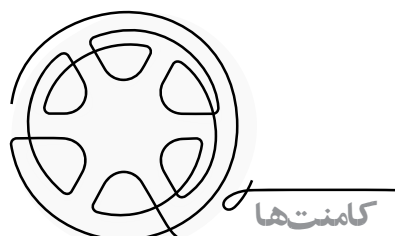


اسفندیار شهیدی
بعد از حدوداً ۴۰ سال به یاد من
افتاده‌اند، البته هنوز دیر نشده‌واز
این بابت شادمانم.



یادنامه

سه بزرگداشت در عصر روز دهم



فیلمی پرانرژی و جاه‌طلب

سیامک صدیقی

«اسکورت» با اتکا به ریتم تند و فضای جاده‌ای، مخاطب را وارد جهان تعقیب‌ها و التهاب موقعیت‌ها می‌کند. فیلم در ایجاد هیجان و طراحی صحنه‌های پرتحرک، توانمند ظاهر می‌شود، هرچند در بخش‌هایی فرصت پرداخت عمیق‌تر به شخصیت‌ها کم‌رنگ می‌ماند و قصه ترجیح می‌دهد پیش برود. در دل این مسیر، ردپای پدر فیلمساز در نوع قهرمان‌پردازی و برخی انتخاب‌های بصری قابل تشخیص است؛ حضوری که هم امضای آشنا به اثر می‌دهد و هم مقایسه‌هایی را به همراه می‌آورد. «اسکورت» فیلمی پرانرژی و جاه‌طلب است که میان هیجان و عمق، بیشتر به اولی گرایش دارد و تماشاگر را با ضربان بالا همراه می‌کند.

یک درام شریف

میلاد معتمدی‌فر

پیشرفت فنی و کارگردانی محمد عسگری در «پل» نسبت به آثار قبلی‌اش را باید ستود. لانگ‌شات‌های چشم نواز و جلوه‌های ویژه رایانه‌ای درخشان از جمله نقاط قوت بصری فیلم شناخته می‌شود. محمد عسگری با خلق یک دارم جنگی شریف، با تأکید بر هدف نمایش اخلاق، انسانیت و حراست از زندگی در میان هیاهوی جنگ بوده، نه صرفاً صحنه‌های نظامی. بازی سعید آقاخانی در نقش عبدالحی (پدر عراقی) با وجود گریم سنگین، موفق و تأثیرگذار است.



تعقیب در شاهراه

ایمان عظیمی

تجربه‌ای موفق در ایرانیزه کردن فیلم‌های کلاسیک آمریکایی در سینمای نحیف ایران و کلاس درس فیلمنامه‌نویسی برای فیلمسازان مدعی. پلاستیک و ساختار بصری «اسکورت» ترکیبی از «تعقیب در شاهراه» و «دوئل» اسپیلبرگ و همین‌طور «امانم جونم هفت تیر کشه» اثر جان‌اتان دمی است، اما از منظر تم و مضمون بی‌شباهت به آثار دهه هفتادی ابراهیم حاتمی‌کیا؛ «به رنگ ارغوان» نیست. با این حال اصالت فیلم یوسف حاتمی‌کیا غیرقابل کتمان است.

مراسم بزرگداشت آریتا لاجینی بازیگر، اسفندیار شهیدی فیلمبردار و کارگردان سینما و محسن روشن صداگذار و صداگذار، طی مراسمی شامگاه ۲۰ بهمن در پردیس سینمایی ملت خانه چهل و چهارمین جشنواره ملی فیلم فجر با اجرای سونیا پوریامین برگزار شد.

در ابتدا کلیپی از فعالیت‌های محسن روشن که در آن ابراهیم حاتمی‌کیا از همکاری با این صداگذار می‌گفت، پخش شد.

منوچهر شاهسواری، دبیر این رویداد نیز روی صحنه آمد و گفت: یکی از لحظه‌هایی که در جشنواره اهمیت عاطفی ویژه‌ای دارد یاد کردن از کسانی است که شاید زمانه آنها را فراموش کند اما تاریخ و هنر آنها را فراموش نمی‌کند.

آرش قاسمی، صداگذار سینما به نیابت از محسن روشن جایزه او را دریافت کرد. در ادامه مراسم بزرگداشت اسفندیار شهیدی کارگردان و مدیر فیلمبرداری برگزار شد. پس از پخش ویدئویی از فعالیت‌های او و نقل خاطراتی از زبان اسفندیار شهیدی، نیلوفر شهیدی دختر او روی صحنه آمد و صدای ضبط شده «اسفندیار شهیدی» در بستر بیماری را پخش کرد. او به نیابت از پدر این لوح یادبود را دریافت کرد.

در ادامه مراسم بزرگداشت آریتا لاجینی روی سن رفت و با سلام به همه گفت: همه شما زندگی‌نامه من را بارها دیدید و خواندید و می‌دانید زندگی را چگونه گذراندم و من شاگرد خداوند هستم. شما جوان‌ها گل‌های این وطن هستید، سعی کنید وطن ما همیشه پر گل بماند. جوان‌ها وقتی نبوغی ارائه می‌دهند تمام جهان نگاه می‌کند و بهره می‌برد امیدوارم همه شما بچه‌دار شوید تا این مملکت تک و تنها نماند. در پایان مراسم راند فریدزاده و منوچهر شاهسواری روی سن رفتند و سیمرغ را به آریتا لاجینی تقدیم کردند.



نشست خبری فیلم «آن دو»
دوشنبه ۲۰ بهمن ۱۴۰۴، سالن ۱۲ پردیس ملت

واقعیت، نه کلیشه

اجرا: سونیا پوریامین
حاضران: مرتضی رحیمی کارگردان، علیرضا سبط احمدی تهیه کننده، مهدی سجادیپور نویسنده

از میان گفته ها: **مرتضی رحیمی:** شهید ظفر خالیدی، خردسال ترین شهید دفاع مقدس است که داوطلبانه به عنوان رزمنده به جبهه رفته و شهید شده است. هرچند این فیلم در ژانر کودک بود اما ترجیح دادیم از جنگ و فضای آن کمتر استفاده کنیم ولی باید شهادت او را به تصویر می کشیدیم.

علیرضا سبط احمدی: ۵۰ درصد هزینه فیلم از طرف یک نهاد بوده، اما نصف دیگر را خودمان تامین کردیم. هنوز هم در دنیا از اروپا تا آمریکا جنگ جهانی دوم را به تصویر می کشند آیا نباید ما هم مهم ترین اتفاق تاریخ معاصر را برای نسل های جدید به تصویر بکشیم؟ آن ها ۸ سال صادقانه جلوی دشمن ایستادند. این موضوع هیچ وقت کلیشه نیست.

مهدی سجادیپور: ما قصد داشتیم راجع به شهادت خردسال و بختیاری فیلم بسازیم و ایده اولیه همان داستان شهید خالیدی بود. البته قبل تر ایده های درباره شهید نوجوان علی لندی داشتیم که بنا به دلایلی نشد آن را بسازیم و دنبال مابه ازای او در دوران دفاع مقدس گشتیم و به شهید ظفر خالیدی رسیدیم، سن واقعی او ۱۱ سال و شش ماه بود که به جبهه رفت.



روزنامه چهارمین جشنواره ملی فیلم فجر صفحه ۲

حرکت فراتر از زمان

اجرا: سونیا پوریامین
حاضران: محمد داودی کارگردان و نویسنده، کاظم دانشی نویسنده و تهیه کننده.

از میان گفته ها: **محمد داودی:** این طرح سه سال قبل توسط کاظم دانشی مطرح شد و حتی در فرصتی قرار بود که سریال شود و با خواهرش من دست نگه داشتیم تا فیلم سینمایی شود. این فیلم فقط برای سال ۸۱ نیست و ممکن بود که این اتفاق باز هم رخ دهد. ما سعی کردیم جان مطلب و ماجرای پشت آن را به تصویر بکشیم، ما عدالت خواهی و حق طلبی قشری را نشان دادیم که همیشه به سکوت واداشته شده اند.

کاظم دانشی: نمی خواهم خیلی جامعه را گل و بلبل نشان دهم ولی از نشانه های جامعه پویا این است که فردی یا کارگری بتواند احقاق حق کند، این به جامعه هم امید می دهد. از مریم پیرکاری مدیرعامل موسسه تصویر شهر ممنونم که رشادت کرد و اجازه داد نقد نسبت به شهرداری و شورای شهر در فیلم مطرح شود.

محمد داودی: قبل از اتفاقات و وقایع اخیر فیلم را ساختیم و اینکه دیالوگ و وقایعی در فیلم با این روزگاران منطقی درآمده شانس ما است که فیلم فراتر از خود در جامعه حرکت کند. چیزی که انگیزه من برای نوشتن و ساختن این است که صرفا فیلم ساختن برای من مساله نیست، بلکه خواستم سند تاریخی یک دوره را روایت کنم.



فیلم هشدار می دهد

اجرا: سونیا پوریامین
حاضران: بهروز مفید تهیه کننده، عباس نعمتی نویسنده و احمد مرادپور کارگردان.

از میان گفته ها: **احمد مرادپور:** ممکن است خیلی ها ندانند پولشویی چیست اما آثار پولشویی مثل تورم و گرانی را درک می کنند. ما به جای نشانه گرفتن افراد، چرخه ای را که باعث شکل گیری این فساد می شود، نشان گرفتیم. عادی شدن این اتفاقات خطرناک است. «کارواش» دنبال اتهام زدن به اشخاص نیست بلکه می خواهد چرخه ای را که باعث این مشکلات می شود و مردم را در رنج و عذاب می اندازد، بررسی کند.

بهروز مفید: پولشویی برخلاف اختلاس و گران فروشی که محسوس است، شکلی ملموس ندارد، پولشویی عامل فساد اقتصادی نیست بلکه می خواستیم فیلمی بسازیم که وقتی تمام «کارواش» یک فیلم جنجالی و هیجانی باشد بلکه می خواستیم فیلمی بسازیم که وقتی تمام می شود بخشی از مشکلات را نمایش دهد.

عباس نعمتی: فیلم دیالوگی داشت که می گفت افشاگری بازی قدرت است. من دنبال شفافیت هستم اگر با دیدن این فیلم مخاطب یاد پرونده خاصی بیفتد، عملا افشاگری است. این فیلم به ریشه های موضوع می پردازد نه معلول ها. تلاش ما این بود که به جای بحث های جنجالی به ریشه هایی توجه کنیم که می تواند کشور را نجات بدهد.



و چهارمین جشنواره ملی فیلم فجر



مالك عابده، خبرنگار تلویزیون المیادین لبنان:

بی نیاز از ترجمه و شعار

فیلم‌هایی چون «سرزمین فرشته‌ها» نقشی مهم در برجسته کردن مسائل انسانی دارند. در اینجا سینما از مرزها و زبان‌ها فراتر می‌رود و مفهوم همبستگی انسان با انسان را بازآفرینی می‌کند و به آینه‌ای تبدیل می‌شود که تماشاگر در آن معنای ظلم و ستم را بی نیاز از ترجمه و شعار می‌بیند. در «سرزمین فرشته‌ها»، غزه همچون قلبی کوچک که زیر آوار می‌تپد، دیده می‌شود.

هارون آیکاچ، مدیر دفتر شبکه TRT ترکیه در تهران:

نمایش احساسات، شفقت و عدالت

فیلم «سرزمین فرشته‌ها» نشان می‌دهد چگونه یک زن که دو فرزند خود را در جنگ از دست داده، مادرانه از کودکان دیگر شهروندان را مراقبت می‌کند و حتی در میان چنین سختی‌هایی، عشق، محبت، اراده برای زندگی و فداکاری را نشان می‌دهد. این فیلم احساسات، شفقت و عدالت را در درون مردم آشکار می‌کند.

علی‌هادی‌ریا، خبرنگار المنار لبنان:

ویژگی زبان سینما در ثبت وقایع

«سرزمین فرشته‌ها» فیلم زیبایی است. ویژگی زبان سینما این است که توان ثبت وقایع در تاریخ را دارد و از این رو معلوم می‌شود که چقدر ما به تولید فیلم‌های فخیم سینمایی در مورد خدادهای مهم دنیای امروز نیاز داریم.

وسام اسد، خبرنگار تلویزیون النجبا عراق و سایت خبری افق ترکیه:

دستاوردهای بزرگ سینمای ایران

فیلم «سرزمین فرشته‌ها» یکی از مهم‌ترین دستاوردهای سینمای ایران به‌شمار می‌آید که به رنج‌ها و مصائب کودکان غزه می‌پردازد. هنر به‌ویژه سینما وسیله‌ای منحصر به فرد و قدرتمند برای اعتراض و آگاهی‌بخشی است. و باید به سراغ مسائل اساسی و انسانی برود. مسائلی همچون غزه و جنایات صهیونیسم علیه بشریت. بی تردید از طریق آثار هنری شاخص و تأثیرگذاری مانند «سرزمین فرشته‌ها» و با پخش آن در سطحی وسیع می‌توان این موضوعات را به یک مساله افکار عمومی جهانی تبدیل و توجه جامعه بین‌المللی را جلب کرد.

سولاف فواخرجی در خانه جشنواره:

من هم ایرانی‌ام

مهسا بهادری

سولاف فواخرجی بازیگر سوری فیلم «سرزمین فرشته‌ها» که در تهران به سر می‌برد، ظهر دیروز دوشنبه ۲۰ بهمن به خانه جشنواره فیلم فجر آمد و با استقبال مدیران سینمایی و خبرنگاران روبه‌رو شد. او پس از نمایش ویژه این فیلم در سالن ۹ پردیس ملت، در یک مراسم ویژه با حضور رائد فریدزاده، رئیس سازمان سینمایی، منوچهر شاهسواری دبیر جشنواره ملی فیلم فجر، علیرضا زاکانی شهردار تهران، مهدی چمران رئیس شورای اسلامی شهر تهران، محمدباقر اعلمی سرپرست سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، محمد مهدی دادمان مدیر حوزه هنری انقلاب اسلامی، حمیدرضا جعفریان، مدیر سازمان سینمایی سوره و مریم پیرکاری مدیرعامل موسسه تصویر شهر حاضر شد. در بخشی از این مراسم، لوح تقدیر و تندیس یادبود به سولاف فواخرجی اهدا شد. همچنین مدیران حوزه هنری با اهدای لوح تقدیر و هدایا از این هنرمند قدردانی کردند.

هم ترس داشتم و هم شوق

سولاف فواخرجی در این مراسم درباره حضور در فیلم «سرزمین فرشته‌ها» گفت: چون اولین بار است که فیلم را می‌بینم، بسیار احساساتی شدم و بسیار افتخار می‌کنم. یک نگرانی بزرگ داشتم، هم ترس و هم شوق، دوست داشتم فیلم را ببینم که چطور شده. خوشحالم توانستم نتیجه زحمات را روی پرده ببینم. از روز اولی که صحبت کردم با دلم کار کردم تا در روز قیامت چیزی برای ارائه دادن برای بچه‌های مظلوم غزه داشته باشیم. خوشحالم که در ایران و در جشنواره فجر هستم. از منوچهر محمدی که در طول فیلم مانند پدر کنار ما بود، تشکر می‌کنم. او به این پروژه بسیار ایمان داشت. این فیلم نتیجه ایمان همه عوامل بود. من هم عضو کوچکی از این پروژه هستم و از همه بسیار یاد گرفتم و با افتخار می‌گویم من در سرزمین فرشته‌ها حضور داشتم. «سرزمین فرشته‌ها» سرزمینی است که به صلح و مادرانگی ایمان دارد و همه این‌ها در سرزمین ما هم وجود دارد.

وائل رمضان، همسر سولاف فواخرجی، هم گفت: هر کسی شنید سولاف به ایران می‌آید، توصیه کرد که نرود. دوستان، آشنایان و همکاران این توصیه را می‌کردند، اما خانم سولاف به خاطر وفاداری به فیلم تصمیم گرفت به ایران بیاید و گفت من به این پروژه متعهدم و الان من یک ایرانی هستم.

نکات و حرف‌ها

۱- منوچهر شاهسواری خطاب به سولاف گفت: ما با قلبمان شما را بر پرده «سرزمین فرشته‌ها» دیدیم. امیدوارم هیچ مادر و بانویی در جهان به چنین مصیبتی دچار نشود.

۲- منوچهر محمدی ابتدا با زبان عربی به سولاف فواخرجی و همسرش خوش آمد گفت و ایران را سرزمین شعر، ادب و هنر خواند و با اشاره به دیالوگی در فیلم، او را شجاع و محترم توصیف کرد.

۳- بابک خواجه‌پاشا گفت: امیدوارم فیلمی بسازیم که فردا روزی، وقتی به محضر حضرت حق رسیدیم و پرسیدند شما برای این بچه‌های مظلوم چه کردید، این اثر را داشته باشیم.

۴- مهدی چمران گفت: هر اثری که بتواند با قلب و دل، با احساس مادران ارتباط برقرار کند و مشکلات مردم غزه را نشان دهد، بیان حال همه ماست.

۵- علیرضا زاکانی گفت: چون موضوع فیلم واقعی بود و پرده از یک حقیقت تلخ برمی‌داشت و کارگردان و تهیه‌کننده با قلبشان پیگیر اثر بودند و خانم سولاف هم با نهایت زیبایی کار کردند، بدون اغراق یکی از بهترین فیلم‌هایی بود که در عمرم دیدم.



تهیه‌کننده: امیر مهریزاد و علی شیرمحمدی، کارگردان: مجید رستگار، بازیگران: آرمین رحیمیان، کیوان ساکت‌اف، سیدمهرداد ضیایی، امید روحانی، هادی عامل‌هاشمی، آزاده سیفی، امید میرزایی، محمدرضا مظاهری و با حضور رضا آکائیان و لیلای زارع، نویسندگان فیلمنامه: امید محمدزاده، عمادالدین ولی‌زاده و سینا ازرقی، مدیر فیلمبرداری: محمد نصیری، تدوین: حسن حسندوست، آهنگساز: امیرحسین اکبرشاهی، صداپردازی: یاسر رضائی، طراحی و ترکیب صدا: حسین قورچیان، طرح لباس: مهرنوش بیانی، طرح چهره‌پردازی: شهرام خلج، طرح صحنه: مهدی سعیدی، طرح جلوه‌های ویژه: بصری، رضا انصاری و بهنام خاکسار، جلوه‌های ویژه میدانی: حمید رسولیان، نسرین نوابی، مدیر تبلیغات: زهرامرآبادی و مدیر روابط عمومی: سپیده شریعت‌رضوی.

خلاصه داستان: هاتف و جهان که از نوجوانی رفاقت خود را شکل داده‌اند، حالا رویاهای مشترکی پیدا کرده‌اند اما برای تحقق آن مجبور می‌شوند پایه عرصه پرچالشی بگذارند که روی کار، عشق، زندگی و رفاقت شان اثر می‌گذارد....



خارج از مسابقه

مولا

نویسنده فیلمنامه، تهیه‌کننده و کارگردان: عباس لاجوردی، بازیگران: محمود مقامی، حسین پوریده، جواد کامل، افشین قصابیان، زهرا طاهریان، مینا قلمدریان، دیو دونه و محمد صادقی
خلاصه داستان: این فیلم با تمرکز بر موضوع امامت حضرت علی (ع)، واقعه غدیر خم را به عنوان محور اصلی روایت خود انتخاب کرده است و تلاش می‌کند این رخداد تاریخی و اعتقادی را در مقاطع مختلف تاریخ اسلام بازخوانی و بازنمایی کند.

تهیه‌کننده: محمد شایسته، کارگردان: سروش صحت، بازیگران: امین حیایی، سحر دواتشاهی، مهران مدیری، علیرضا خمسه، پاتنه پناهی‌ها، بیژن بنفشه‌خواه، مجید یوسفی و سوزنا صحت، نویسندگان: سروش صحت، ایمان صفایی، مدیر فیلمبرداری: سبنا کرمانی‌زاده، تدوین: خشایار موحدیان، الهه ایزدی، طرح صحنه: کامیاب امین عشایری، طرح لباس: الهام معین، طرح چهره‌پردازی: عظیم فراین، موسیقی: کریستف رضاعی، مدیر صداپردازی: سعید زند، طراحی و ترکیب صدا: امیرحسین قاسمی، اصلاح رنگ و نور: فرهاد قدسی، طرح جلوه‌های بصری: کامیار شفیع پور، عکاس: آزاده امیرخان **خلاصه داستان:** زندگی مشترک یک زوج میانسال مدتی وارد چالش شده است. در این میان، زندگی پسر جوان آن‌ها هم تحت تأثیر این اتفاق قرار می‌گیرد....





گفت و گو با مجید رستگار، کارگردان فیلم «جهان مبهم هاتف»

قصه رفاقت دو جوان

زیادی داشت. از میان حدود صد نفر، چه بازیگران چهره و چه غیرچهره، انتخاب انجام شد. بخشی از این فرآیند به گریم مربوط بود، چون باید می توانستیم حدود ۱۵ سال از زندگی این دو کاراکتر را پوشش دهیم که همین موضوع باعث حذف تعدادی از گزینه ها شد. مساله بعدی بودجه پروژه بود که حدود یک پنجم فیلم های سینمایی رایج است. با وجود لوکیشن های متعدد داخلی و خارجی و محدودیت های زمانی، کار بسیار فشرده و پیچیده شد؛ به خصوص در فضاهای نهادی مثل نیروگاه که زمان تصویربرداری بسیار محدود است. دوستانی مثل آقای کیانیان، خانم زارع، آرمین، کیوان و دیگر بچه ها با لطف خودشان و با وجود شرایط مالی همراه پروژه شدند. بعد از صحبت های اولیه با کیوان و آرمین، به این نتیجه رسیدیم بهترین انتخاب برای نقش ها هستند. واقعاً اگر فرد دیگری جای آن ها بود، کار به این شکل پیش نمی رفت. در کنار آن ها، حدود شش، هفت بازیگر تئاتری هم معرفی شدند که از این بابت بسیار راضی هستم. آقای کیانیان و خانم زارع از ابتدا جزو گزینه ها بودند، اما به دلیل اینکه این اولین کار من بود، ابتدا خواستند صحبت کنیم. بعد از جلسه، برای بستن قرارداد به توافق رسیدیم.

❖ ایده و مضمون «جهان مبهم هاتف» چیست؟

«جهان مبهم هاتف» قصه رفاقت دو جوان است که برای رسیدن به آرزوهایشان با چالش های زیادی روبه رو می شوند. آن ها برای عبور از این چالش ها دست به کارهای خطرناکی می زنند و در این مسیر، عشق، رفاقت، زندگی و کارشان درگیر چالش های زیادی می شود. در نهایت باید دید این مسیر آن ها را به کجا می رساند.

مجدید رستگار، کارگردان سینما و مستندساز محراب توکلی فارغ التحصیل رشته تدوین سینما و دانش آموزانه موسسه هنری کارنامه در رشته کارگردانی است. از آثارش می توان به مستند «عابدان کهنز»، سریال «وضعیت زرد»، مجموعه طنز «حرفش من زن» و فیلم های کوتاه «ترکش کن»، «پرچم»، «پشت پرده توری»، مستند «مردی با کیف قرمز» اشاره کرد. او با «جهان مبهم هاتف» در بخش سودای سیمرغ چهل و چهارمین جشنواره فیلم فجر حضور دارد. به بهانه رونمایی فیلم او در خانه جشنواره با او گفت و گویی درباره روند ساخت و شروع مسیر تولید این اثر داشته ایم.

❖ قصه این فیلم بر اساس شخصیت های واقعی نوشته شده است، چطور در مسیر پیش تولید و تولید فیلم قرار گرفتید؟

امیر مهریزدان، تهیه کننده فیلم از دوستان قدیمی من است. حدود سه سال ونیم پیش درباره این کار با من صحبت کرد، داستان دو جوان که قصه های بسیار جالبی دارند و یک پژوهش اولیه ای هم درباره آن ها صورت گرفته است. قرار شد بیشتر درباره آن ها مطالعه کنم. نگاه ما ابتدا این بود که یک داکیودرام از آن ها بسازیم. وقتی درباره آن ها خواندم، قصه افراد با انرژی و خلاقیتی که زندگی پر فراز و نشیبی دارند که شاید حتی بتوان یک سریال بلند هم از آن ساخت. از آنجاکه در این سال ها قصه های مختلفی را خوانده و شنیده ام، دوست نداشتم شبیه داستان های رایج باشد؛ چون از یک نگاه، بسیاری از فیلم هایمان بهم نزدیک هستند، به خصوص درام های اجتماعی که فرم های نزدیک بهم دارند. دوست داشتم قصه متفاوتی داشته باشیم، به همین خاطر این موضوع برایم جذاب شد. ابتدا درباره ی آن پژوهش کردم تا مطمئن شوم که در مسیر فکری من است. حدود ۱۰ روز به مشهد رفتم و مدتی را با این دوستان بودم. پژوهش آن ها را با یکی از دوستان نویسنده مدون کردیم و یک سیناپس کامل از مسیر اتفاقات زندگی آن ها نوشتیم. به این ترتیب جرقه ی اولیه کار شکل گرفت و بعد به اینجا رسید که فیلم سینمایی ساخته شود.

❖ گفتید ابتدا به ساخت داکیودرام فکر می کردید؛ الان فیلم به لحاظ فرم کارگردانی چقدر به فضای داکیودرام نزدیک است؟

نوع روایت و قرارگیری دوربین به طور کلی متفاوت است. در داکیودرام باید به اتفاقات پایبند بود، اما برای آنکه بتوانیم یک قصه یک ساعت ونیمه داشته باشیم، باید خیلی چیزها را تغییر می دادیم و آن را به سینما نزدیک می کردیم؛ نیاز بود دراماتیزه شود، تغییرات زیادی پیدا کند و شاید در خیلی از قسمت ها، از سوژه هایمان و حتی از شخصیت اصلی شان دور شویم. چون سینما متفاوت است و می خواهد چیزی را ببیند که دوست داشته باشد. در عمل ما شاید حدود ۱۰ یا پانزده درصد قصه ها و مسیری را که این افراد طی کردند، نگه داشتیم که در فیلم هم هستند اما با شخصیت پردازی متفاوت و وارد کردن شخصیت های جدید.

❖ نام فیلم «جهان مبهم هاتف» است. این نام از لحاظ زیبایی شناسی و کارگردانی چگونه انتخاب شده و شکل گرفته است؟

جهان و هاتف دو کاراکتر اصلی کار هستند. «جهان مبهم هاتف» دو وجهی است؛ هم خود جهان و هم دنیایی که هاتف برای خودش می سازد. در «جهان مبهم هاتف»، هاتف راوی است، یعنی جهانی است که شاید خودش نداند که چه می کند و چه مسیری دارد. با دیدن این کار به این سه کلمه می رسید.

❖ درباره انتخاب بازیگران و تعامل با آن ها بگویید...

در ابتدا انتخاب بازیگران دو کاراکتر اصلی، جهان و هاتف، برای من اهمیت



گفت و گو با عباس لاجوردی، کارگردان فیلم «مولا»

۲۰۰۰ پلان را ساختیم



منتظر پخش آن بودیم، اما پس از انتشار مشخص شد تنها بخشی از پلان‌ها با هوش مصنوعی ساخته شده‌اند و کیفیت آن‌ها قابل مقایسه با کار ما نیست. حتی عوامل همان پروژه هم برای همکاری با ما تماس گرفتند.

❖ در روند تولید «مولا» از چه تعداد ابزار پلترفرم هوش مصنوعی استفاده شد؟
در مراحل مختلف تولید، از چند ابزار و مدل هوش مصنوعی استفاده کردیم؛ به طور کلی چیزی بین ۹ تا ۱۰ پلترفرم مختلف در این پروژه به کار گرفته شد و ما دو هزار پلان برای این فیلم ساختیم.

❖ فیلم «مولا» فیلمنامه دارد یا فیلمنامه هم توسط هوش مصنوعی نوشته شده است؟

فیلم کاملاً فیلمنامه دارد. تحقیقات این پروژه از سال ۱۳۹۶ آغاز شد و ما در سال ۱۳۹۷ وارد پیش تولید اولیه شدیم. در آن مقطع قرار بود فیلم به صورت رئال ساخته شود، اما به دلیل مسائل مالی امکان ادامه کار فراهم نشد و پروژه متوقف ماند. فیلمنامه بر اساس تحقیقات مفصل تاریخی نوشته و چندبار بازنویسی شده، نسخه نهایی حاصل یک کار پژوهشی جدی است، نه خروجی هوش مصنوعی.

❖ در بخش صداگذاری هم از هوش مصنوعی استفاده کرده‌اید؟
خیر، صداها کاملاً واقعی هستند. ما برای صداگذاری از گویندگان حرفه‌ای و شناخته شده استفاده کردیم؛ از جمله آقای بهروز رضوی و دیگر گویندگان برجسته. عمداً نخواستیم از هوش مصنوعی برای صدا استفاده کنیم، چون می‌خواستیم به جایگاه و شأن گویندگان مان احترام بگذاریم. به نظر من آن‌ها جزو بهترین گویندگان دنیا هستند و استفاده از صدای انسانی، به روح اثر کمک زیادی کرده است.

❖ باتوجه به رشد سریع هوش مصنوعی و ساخت فیلمی کاملاً مبتنی بر این فناوری، آینده سینما را چگونه می‌بینید؟ آیا این روند نگران‌کننده است؟
طبیعی است نگرانی‌هایی وجود داشته باشد. بعضی عوامل سینما وقتی فیلم را می‌بینند، می‌گویند ممکن است در آینده بیکار شویم یا میزان کار کمتر شود. اما این اتفاق، ذات زمانه است و نمی‌توان جلوی آن را گرفت. مثل زمانی که ابزارهای دیجیتال وارد شدند؛ نمی‌شد به بهانه اینکه عده‌ای بیکار می‌شوند، جلوی فتوشاپ یا فناوری‌های جدید را گرفت. زمانه جلو می‌رود و اگر همراهش حرکت نکنیم، عقب می‌مانیم. من این مسیر را بیشتر یک فرصت می‌بینم تا تهدید.

❖ مهسabahداری عباس لاجوردی، نویسنده و کارگردان و مستندساز سینما و تلویزیون، پیش از این تهیه‌کنندگی، کارگردانی و نویسندگی فیلم «جشن تولد» را برعهده داشت که در سی و چهارمین جشنواره فیلم فجر شرکت کرد. با او درباره فیلم «مولا» که در بخش خارج از مسابقه فجر ۴۴ شرکت کرده است، صحبت کرده‌ایم.

❖ از «مولا» به عنوان نخستین فیلم بلند سینمایی که به صورت کامل با هوش مصنوعی تولید شده است، یاد می‌شود. از حال و هوای فیلم بگویید و این که باید منتظر یک فیلم تاریخی باشیم؟

فیلم دو بخش دارد؛ یک بخش مربوط به عصر حاضر و بخش اصلی که به صدر اسلام اختصاص دارد. در بخش تاریخی که بخش اعظم فیلم را دربرمی‌گیرد، تصاویر صددرصد با هوش مصنوعی ساخته شده است و حتی یک فریم رئال هم در آن وجود ندارد. از این جهت، «مولا» نخستین فیلم بلند سینمایی است که به صورت کامل با هوش مصنوعی تولید شده، در بخش عصر حاضر، ترکیبی از تصاویر رئال و هوش مصنوعی را می‌بینیم. این تصمیم به دلیل شرایط تولید گرفته شد. در طول پروژه با مسائلی مثل قطع اینترنت و برخی اتفاقات پیش‌بینی نشده مواجه شدیم که باعث تغییر در برنامه‌ریزی شد.

❖ ساخت این فیلم باتوجه به جنس تولید آن چه مدت زمان برد؟
فرآیند تولید فیلم حدود ۹ ماه طول کشید. از فروردین‌ماه کار را آغاز کردیم و در این مدت به صورت مستمر روی تولید و تکمیل تصاویر مبتنی بر هوش مصنوعی کار شد. نمونه‌هایی که قبل از این مطرح شده‌اند، عمدتاً فیلم‌های کوتاه بوده‌اند؛ مثلاً پروژه‌هایی که توسط شرکت‌هایی مثل گوگل تولید شدند زیر ۱۰ دقیقه زمان داشته‌اند. بعضی آثار سینمایی هم که ادعای تولید توسط هوش مصنوعی را دارند، در واقع فقط تعدادی از پلان‌هایشان با هوش مصنوعی ساخته شده است. اما در «مولا» به‌ویژه در بخش تاریخی همه چیز کاملاً با هوش مصنوعی تولید شده است. سریال «خانه داود» با بودجه‌های بسیار سنگین هالیوودی ساخته شده و سازندگان آن را اولین سریال هوش مصنوعی معرفی کردند. ما با دقت





استخر



صفحه ۹

روزنامه چهل و چهارمین
جشنواره ملی فیلم فجر



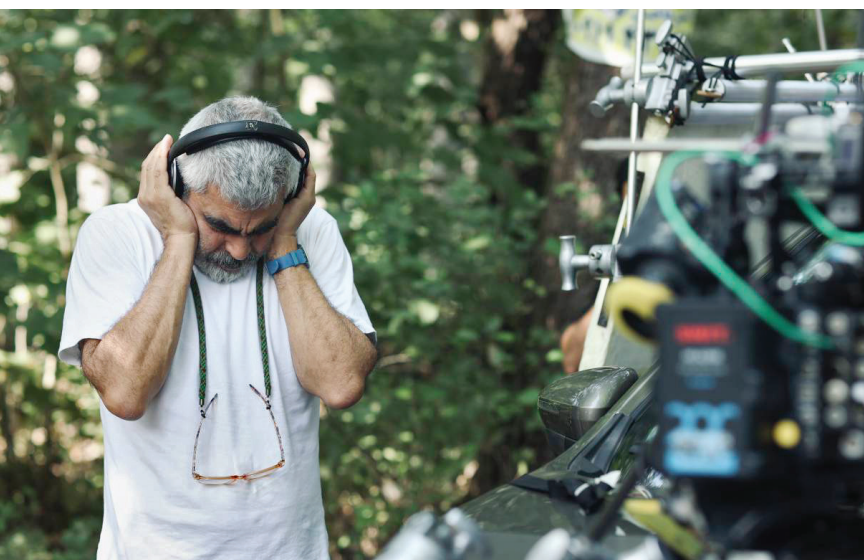
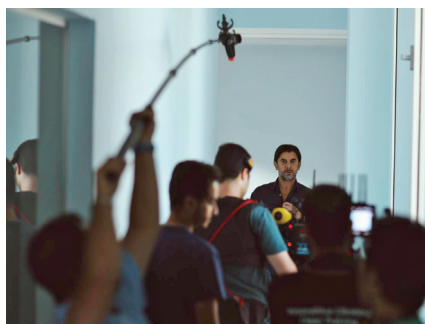
هنرِ صحت خوانی

«استخر» و مخاطبانی که مولفه‌های سروش صحت را می‌شناسند

محراب توکلی

سروش صحت از بدو ورود خود به سینمای ایران سعی کرد فضا، ساختار و لحن خود را بسازد و تا حدودی آنچه را که در سریال‌هایش همچون «شمعدونی» و «لیسانسه‌ها» رقم زده بود، به فیلم‌ها هم تسری دهد. این امر تا حدودی موفق بود چراکه در سال‌های اخیر سروش صحت و جهانانش برای مخاطبان سینمای ایران و جشنواره فجر شناخته شده است و عناصر و ویژگی‌های روایی آن برای اهالی سینما قابل رؤیت و تعریف هستند. به عنوان مثال فیلم «استخر» پیش از آن که در پردیس سینمایی ملت اکران شود، زبان و لحن آن تا حدودی برای مخاطب قابل پیش‌بینی است. البته صحت و سینمایش تنها یکی از مصادقات‌های حاضر در جشنواره امسال هستند و مصادیق دیگر نیز قابلیت بررسی دارند. به عنوان مثال علیرضا معتمدی با فیلم «دختر پری خانوم» به فجر ۴۴ آمده است. فیلمی که کاملاً برآمده از حدیث نفس کارگردانش بود و در ادامه دو فیلم قبلی «رضا» و «چرا گریه نمی‌کنی؟» یک ویژگی مشخص و قابل رؤیت داشت؛ انسان تنها. کاراکتری که برای رهایی از دغدغه‌های عاطفی و احساسی سفر را آغاز می‌کند. این سفر گاه ایلپادی است و گاه اودیسه‌ای. در کنار معتمدی می‌توان از فیلمساز دیگری اسم برد. کسی که با تأثیر گرفتن از کارگردان‌های بنام ایرانی و بین‌المللی به رسم‌الخط خود رسیده است؛ امیرحسین ثقفی. ثقفی پس از نقدهایی که در جشنواره فیلم فجر ۴۳ و سوم به خاطر «دست تنها» دریافت کرد، با «جهان کوچک کوچک» به جهانی که پیش از آن داشت، نزدیک شد. البته این فیلم به تعبیری می‌تواند یک گام متفاوت در مسیری که سینمای ثقفی طی کرده است، باشد. این اتفاق می‌تواند برای فیلم‌های «سروش صحت» نیز قابل تصور باشد. شاید «استخر» تبدیل به یک نقطه متفاوت در کارنامه کاری او شود. در غیر این صورت می‌توانیم به برخی شاخصه‌های سینمای صحت اشاره کنیم. یکی از این شاخصه‌ها کمدی موقعیت است، موقعیتی که در واکنش شکل می‌گیرد. بر اساس کتاب «ابزارهای کمدی» کمدی موقعیت می‌تواند با واکنش نفر سومی که در صحنه حضور دارد، شکل بگیرد. اگر دو نفر با هم گل‌گل می‌کنند یا چالش غیرمنطقی باهم داشته باشند، نفر سومی که به حماقت آن‌ها واکنش نشان می‌دهد، از مخاطب خنده می‌گیرد. این تکنیک به وفور در آثار صحت دیده می‌شود. علاوه بر آن نگاهی که او به مرگ و زندگی دارد، از جمله شاخصه‌های قابل پیش‌بینی در آثار میزبان برنامه «اکنون» است و سروش صحت سعی دارد با تأکید بر مرگ زندگی از ارزش‌های آن را به نمایش بگذارد.

به جای هر نکته‌ای یک بار دیگر با ذهنیت خود نسبت به سروش صحت، خلاصه داستان فیلم را مرور کنید. به نظر می‌رسد این بهترین راهنمایی برای دیدن این فیلم باشد؛ داستان فیلم «استخر» درباره زوج میان‌سالی است که زندگی مشترک‌شان مدتی وارد یک چالش شده است، در این میان پسر جوان آن‌ها نیز زندگی‌اش تحت تأثیر این اتفاق قرار می‌گیرد.



کدامیک از فیلمنامه‌های فجر ۴۴ کم‌نقص و نوآور بود؟

کیفی‌گرایی به سبک جشنواره ۴۴

هنر فیلمنامه‌نویس

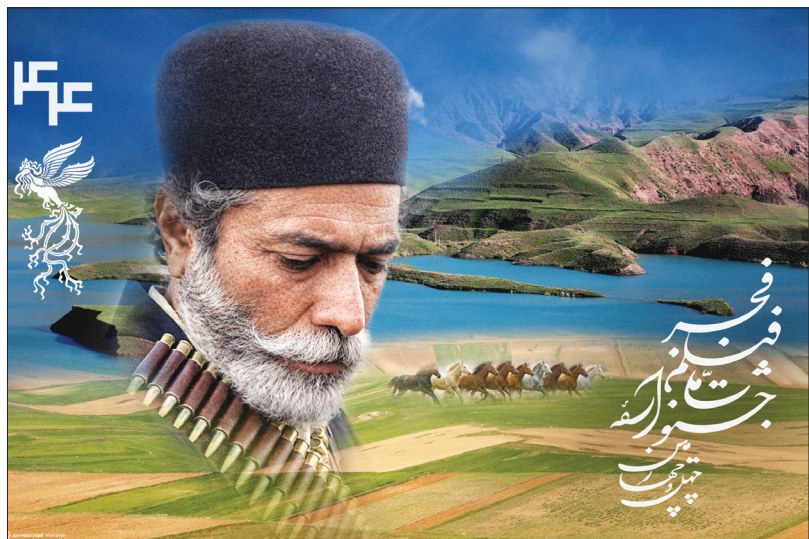
رضا منتظری: این یک واقعیت است که به‌رغم پیشرفت‌های تکنیکال، مهم‌ترین ضعف سینمای ما همواره فیلمنامه بوده و متأسفانه همچنان نیز هست. آثار جشنواره فیلم فجر ۴۴ و چهارم هم از این قاعده مستثنی نیستند. در واقع ما با ایده‌های بکر، نو و ناب زیادی مواجه هستیم، اما این ایده‌ها با پرداخت الکن و ناپخته در فیلمنامه به نتیجه مطلوب نرسیده‌اند. با این حال در جشنواره امسال، خوشبختانه چند فیلمنامه قابل تأمل دیده می‌شود. به عنوان مثال، فیلمنامه «زنده‌شور» بسیار پرکشش و جذاب است. این فیلمنامه تعلیق‌های درست و به جایی دارد، کنش و واکنش‌های شخصیت‌ها منطقی است و از همه مهم‌تر، موفق می‌شود حس همذات‌پنداری مخاطب را با شخصیت‌ها برانگیزد؛ به طوری که مخاطب آن‌ها را بخشی از خود یا خانواده خود می‌داند و با آن‌ها همراه می‌شود. این دقیقاً هنر یک فیلمنامه‌نویس است؛ شخصیت‌پردازی آن قدر غنی است که چنین ارتباطی را رقم می‌زند. در مقابل، در برخی آثار دیگر نیز نمونه‌هایی از ضعف فیلمنامه دیده می‌شود. برای مثال، در فیلم «جانشین» که قرار است بخشی از رشادت‌های شهید املاک را به تصویر بکشد، متأسفانه با کاستی‌های جدی مواجه هستیم. مهم‌ترین ضعف این فیلم، پرداخت نشدن درست به نحوه شهادت این شهید است؛ در حالی که لحظه شهادت و ایثارگری خاص او، مهم‌ترین رکن زندگی‌اش محسوب می‌شود. در واقع، ایشان در شرایط حمله شیمیایی، ماسک خود را به هم‌رزمانش می‌دهد و به همین دلیل به شهادت می‌رسد، اما این نکته اساسی در فیلم به درستی نمایش داده نشده است. یکی دیگر از ضعف‌های بسیار مهم فیلمنامه‌های جشنواره امسال، دیالوگ‌نویسی است. گاهی شخصیت‌ها نه به جامعه زیستی اطراف ما تعلق دارند و نه برای مخاطب آشنا و باورپذیرند.

اتکای کامل به فیلمنامه

امیرحسین مکاریانی: به نظر من، سناریو فیلم «قمارباز» یک سر و گردن بالاتر از فیلمنامه‌های دیگر فیلم‌ها قرار می‌گیرد و این برتری چند دلیل مشخص دارد. نخست اینکه روایت در این فیلم به‌طور کامل و دقیق رعایت شده است. دیالوگ‌نویسی هوشمندانه است و ساختار روایت انسجام بالایی دارد. فیلم در یک لوکیشن محدود روایت می‌شود و تعداد بازیگران هم کم است، اما با وجود این محدودیت‌ها چه در لوکیشن و چه در کاراکترها، فیلم کاملاً سرپا مانده است. در واقع تنها عنصری که توانسته فیلم را حفظ کند و پیش ببرد، فیلمنامه است. اگر چینی فیلمنامه وجود نداشت، اساساً فیلمی هم شکل نمی‌گرفت. در بسیاری از فیلم‌های دیگر می‌توان به المان‌های مختلفی اشاره کرد که در کنار فیلمنامه به اثر کمک کرده‌اند؛ اما «قمارباز» صرفاً بر پایه فیلمنامه استوار است و از هیچ عنصر بیرونی یا کاراکتر اضافه برای تقویت خود بهره نمی‌برد. همین اتکای کامل به فیلمنامه، نقطه قوت اصلی فیلم محسوب می‌شود.

تکامل یافته و به‌روز

محمدصابری: اگر بخواهم از میان فیلم‌هایی که دیده‌ام، فیلمنامه‌ای را که کم‌نقص‌تر، متفاوت‌تر و نوآورانه‌تر بوده نام ببرم، فیلمنامه پیمان قاسم‌خانی برای فیلم «قایق‌سواری در تهران» را هم دوست دارم و هم قابل توجه می‌دانم. این فیلمنامه از نظر سبک و سیاق کاملاً در امتداد جهان ذهنی و قلم پیمان قاسم‌خانی است،



پگاه زارعی

امسال در بین فیلم‌های به نمایش درآمده در «خانه جشنواره» تا روز نهم، حداقل ۱۲ فیلم مورد توجه خبرنگاران و منتقدان قرار گرفته است. با توجه به این که بخشی از آثار امسال فیلم‌های اول یا دوم فیلمسازان هستند، دارای اهمیت است. نقطه قوت بسیاری از این آثار، تلاش برای ارتقای کیفیت فیلم نه صرفاً در بخش‌های فنی بلکه در ساختار فیلمنامه است. گروهی از نویسندگان، منتقدان و خبرنگاران سینمایی دو روز مانده به پایان این رویداد، در این زمینه اظهار نظر کرده‌اند.

یک ترکیب درست

احسان ناظم بکائی: ترکیب صدراعلمی و پیمان قاسم‌خانی در فیلم «قایق‌سواری در تهران» واقعاً جواب داده است. ما با فیلمسازی روبه‌رو هستیم که همچنان سینمای اجتماعی ایران را از «گل‌های داوودی» در دهه ۶۰ تا امروز به خوبی می‌شناسد و از دغدغه‌ها و مسائل سینمای اجتماعی، خواسته‌ها و نیازهای قشر نوجوان و جوان شهری آگاه است. از سوی دیگر قلم گویا، زبان و سبک خاص پیمان قاسم‌خانی، همراه با بازی خودش فیلم را سرپا و زنده نگه داشته و آن را به اثری خوش‌حال‌کننده برای مخاطب تبدیل کرده است. این فیلم در عین حال به خوبی جذابیت‌های شهری، به‌ویژه تهران، را در قالب‌های مختلف نمایش می‌دهد. بعد از فیلم «زیبا صدایم کن» در سال گذشته این دومین فیلمی است که بدون شعارزدگی، ابعاد مختلف تهران را به تصویر می‌کشد و مخاطب از تماشای آن لذت می‌برد. فیلم به‌طور ویژه بر دیالوگ‌نویسی برای بازیگر کودک متمرکز است؛ بگویم‌گوها و تعامل‌ها طبیعی و باورپذیرند. همچنین از المان‌های امروزی مانند مسیریاب‌های اینترنتی، خودروهای جدید، تلفن‌های همراه، هوش مصنوعی و ابزارهای روز استفاده می‌کند و همه این‌ها را با یک مساله هویتی مانند شب آخر سال و نوروز و تقابل نسلی میان متولدندان دهه ۵۰ و ۶۰ با نسل زد امروز، ترکیب می‌کند؛ نسلی که ذهنش به سمت مهاجرت رفته و دغدغه‌هایی چون مهاجرت، عشق و آینده دارد و حتی حاضر است در این مسیر با خانواده هم وارد چالش شود. با این پیش‌زمینه، به نظر من فیلم رسول صدراعلمی در اکران سال آینده، به شرط انتخاب زمان مناسب برای نمایش، می‌تواند جزو فیلم‌های پرفروش باشد.

نظر من فیلمنامه موفقی است. ضمن اینکه اگر این فیلم را با اثر قبلی یوسف حاتم‌کیا مقایسه کنیم، چه از نظر کلیت ساخت و چه از نظر فیلمنامه، به نظر می‌رسد «اسکورت» یک گام رو به جلو محسوب می‌شود.

پایبندی به اصول

رضا صدیق: در فیلم «کارواش» نوشته عباس نعمتی و سما بابایی، شکل دهی درام و نوع انتقال اطلاعات در مسیر پرداخت ایده، ایجاد پلاتی چارچوب‌مند و همچنین قصه‌گو بودن فیلمنامه بدون لکنت و پایبندی به اصول فیلمنامه‌ای، این اثر را در جشنواره شاخص می‌کند. ایده مرکزی فیلمنامه با مساله سخت و پیچیده «اقتصاد» و تناسبش با جامعه مواجهه است، ساخت درامی که هم قابلیت سینما شدن داشته باشد و هم بتوان برای توده مردم در جامعه قابل لمس باشد، به همین میزان سخت است و «کارواش» با دست گذاشتن بر موضوع پولشویی و انتخاب ژانری در قامت تریلر معمایی، توانسته این موضوع سخت را ملموس و قصه‌وار روایت کند. از فاکتورهای دیگر شاخص بودن این فیلمنامه، حجم دیالوگ‌هایی است که در روند قصه قرار داده شده‌اند تا مخاطب را از دل دالان رخدادهای منطبق با درون متن قصه به مقصد برسانند. فیلمنامه بر «اتفاق» استوار نیست و موقعیت‌ها رخدادهایی «اتفاقی» نیستند بلکه دال و مدلول دراماتیک دارند و فیلمنامه «کارواش» با پرهیز از ملودرام شدن، توانسته قصه‌اش را در ژانر روایت کند. با توجه به نکات ذکرشده، در میان فیلم‌های امسال در جشنواره، تنها فیلمنامه‌ای که استانداردهای لازم و کافی برای فهم دراماتیک را دارد، «کارواش» است. امسال به نسبت سال گذشته فیلمنامه‌ها شرایط بهتری داشتند اما هنوز بزرگ‌ترین مشکل سینمای ایران قصه‌گویی است و در بهترین آثار کیفی امسال نیز، این مشکل به چشم می‌خورد. «کارواش» تنها فیلمنامه بدون لکنت و کم اشتباه‌ترین‌شان در قصه‌گویی است.



به‌دور از شعارزدگی

آرش فهیم: از نگاه من، در بین فیلم‌هایی که تا یکی دو روز آخر در خانه جشنواره دیده‌ام، فیلمنامه «جانشین» علاوه بر اینکه پر فراز و نشیب است، قهرمانش را به طور منطقی و در بستر درام و به‌دور از شعارزدگی، ساخته است.



اهمیت منطق و انسجام روایی

محمدباقر صنیعی‌منش: از نظر فیلمنامه، اثری که دارای خط روایت منطقی، فراز و فرود مشخص و انسجام روایی باشد، برای من اهمیت ویژه‌ای دارد. در میان فیلم‌هایی که دیده‌ام، شخصاً فیلم «حاشیه» را بیش از همه از نظر فیلمنامه و شیوه روایت قصه دوست داشتم. همچنین فیلم «اسکورت» نیز از این نظر برایم قابل توجه بود. به‌طور کلی، فیلمنامه‌ای را موفق می‌دانم که بتواند قصه خود را به شکلی شسته‌رفته و خلاصه، حتی در یک پاراگراف، تعریف کند؛ فیلمنامه‌ای که نقطه آغاز، فراز و فرود و فرجام مشخص داشته باشد و متناسب با ژانر خود، اجزای روایی را در قالب ساختار سه‌پرده‌ای به‌صورت منطقی و درست سامان دهد. در فیلم «حاشیه»، به‌عنوان یک اثر پلیسی معمایی تعلیق‌دار، این ساختار به‌خوبی اجرا شده است. ما پله‌پله پیش می‌رویم تا به گره اصلی برسیم؛ گره‌ای که طبق منطق فیلم‌های پلیسی، معمولاً یک قدم مانده به پایان روایت آشکار می‌شود. این روند در «حاشیه» منسجم و دقیق از کار درآمده است. در فیلم «اسکورت» نیز، به‌عنوان اثری در ژانر تعقیب‌و‌گریز جاده‌ای بارگه‌هایی از کم‌دی، همین انسجام دیده می‌شود. داستان در فضای تعقیب‌و‌گریز شکل می‌گیرد و در عین حال، مؤلفه‌های اجتماعی و آسیب‌شناسانه را نیز در خود دارد. فیلم «نیم‌شب» را در رتبه بعدی قرار می‌دهم، چراکه خط روایت آن بسیار ساده است و فراز و فرود خاصی ندارد. این فیلم بیشتر حال‌وهوایی مستندگونه دارد که دلایل و تحلیل‌های خاص خود را می‌طلبد.



اما در عین حال نسبت به آثار پیشین او تکامل یافته‌تر و به‌روزتر به نظر می‌رسد و به‌راحتی می‌تواند با مخاطب ارتباط برقرار کند. البته تحلیل تخصصی‌تر این فیلمنامه نیازمند فرصت بیشتر و احتمالاً چند بار تماشای فیلم است؛ چراکه در مواجهه نخست، معمولاً نمی‌توان همه ابعاد اثر را به‌طور کامل بررسی کرد. با این حال، نکته‌ای که در «قایق سواری در تهران» برای من اهمیت بسیار ویژه‌ای دارد، همخوانی دقیق اجزای داستان با جهانی است که در ذهن فیلمنامه‌نویس شکل گرفته است. این همخوانی را می‌توان در شخصیت‌پردازی، طراحی موقعیت‌ها و همچنین روابط علت و معلولی داستان به‌وضوح دید؛ همه چیز به‌طور کامل به جهان شبه‌فانتزی مورد نظر پیمان قاسم‌خانی وفادار مانده است. یکی دیگر از امتیازات مهم فیلم که به‌خوبی به مخاطب منتقل می‌شود، حضور خود قاسم‌خانی در یکی از نقش‌های اصلی است؛ حضوری که با درک کامل از موقعیت، کاراکتر و فضای اثر همراه است و به اجرای دقیق‌تر آن کمک کرده است.

آشنایی‌زدایی و تعادل

ایمان عظیمی: فیلمنامه فیلم «اسکورت» فیلمنامه‌ای بسیار متعادل است؛ تعادلی که به‌خوبی میان متن و اجرا برقرار شده است. ساختاری که فیلمنامه بر اساس جهان معنایی اثر تعیین می‌کند، کاملاً بر فیلم می‌نشیند و باعث می‌شود روایت منسجم و باورپذیر پیش برود. در این فیلم، به‌درستی با انگیزه شخصیت‌ها مواجه می‌شویم و موقعیت‌ها به‌شکل منطقی و دقیق شکل می‌گیرند. فیلمساز با استفاده از آشنایی‌زدایی، موفق می‌شود زیست «شوتی‌ها» را از زاویه‌ای تازه به مخاطب معرفی و او را با این قشر آشنا کند. منظور از آشنایی‌زدایی؛ فاصله‌گرفتن از تصویری است که پیش‌تر عمدتاً از طریق اخبار و گزارش‌های رسانه‌ای درباره این موضوع دیده‌ایم. از این منظر، به نظر من بهترین فیلمنامه جشنواره تا اینجا متعلق به فیلم «اسکورت» است.



وامدار یک سبک خاص

محمد سلیمانی: نویسنده فیلمنامه «کوچ» با فهمی درست از شخصیتی که به فرازهای مهمی از زندگی‌اش پرداخته است، اساس پرداخت دراماتیک در یک اقتباس ادبی را بر ایجاد ارتباطی منطقی و حساب‌شده بین دوره‌های مختلف زندگی شخصیت اصلی می‌گذارد و با فاصله‌گذاری‌هایی مبتنی بر ساختاری که البته تا حدودی وامدار سبک خاص «ووس اندرسن» است، ساختار روایی تازه‌ای را در فیلمنامه‌های زندگی‌نامه‌ای تجربه می‌کند و این تجربه‌ای شیرین و دوست‌داشتنی است.



نشانه‌های توفیق فیلمنامه

حمیدرضا مدقق: فیلم «اسکورت» اثر قابل توجهی بود. این فیلم از نظر فیلمنامه، سر و شکل دار و منسجم است؛ فیلمنامه خوبی دارد، منطق روایی آن قابل قبول است و گره‌افکنی‌های مناسبی در طول روایت دیده می‌شود. اگر بخواهیم از منظر ژانر به آن نگاه کنیم، فیلم آغاز نسبتاً «جیمز باندی» دارد؛ چیزی در حال‌وهوای سینمای اکشن ایرانی که در ادامه به یک فیلم جاده‌ای تعقیب‌و‌گریز تبدیل می‌شود. حتی در نشستی که با یوسف حاتم‌کیا داشتم، اشاره کردم که به نظر می‌رسد فیلم تا حدی از مجموعه فیلم‌های «سریع و خشمگین» تأثیر گرفته باشد؛ چه از نظر ریتم و چه از نظر ساختار تعقیب‌و‌گریز. پیوند عاطفی و حال‌وهوای تقریباً عاشقانه‌ای که میان دو شخصیت اصلی شکل می‌گیرد نیز به‌درستی پرداخت شده است. ما با دو شخصیت مواجه هستیم که هر دو به‌نوعی ضدقهرمانند؛ زنی که در فضای خلاف و شوتی‌گری فعالیت می‌کند و شخصیت مردی که ناخواسته در همان مسیر قرار می‌گیرد. با این حال، فیلمنامه موفق می‌شود شخصیت‌ها را به‌گونه‌ای پرورش دهد که مخاطب بتواند با آن‌ها همدلی کند و از نظر احساسی و سینمایی همراهشان شود. این همراهی و همذات‌پنداری، نشانه توفیق فیلمنامه است. نکته مهم دیگر این است که در فیلمنامه «اسکورت» بخش اضافه‌ای وجود ندارد؛ یعنی حذف هیچ‌کدام از اجزای فیلمنامه بدون لطمه‌زدن به کلیت اثر ممکن نیست و همه چیز در حد و اندازه درست خود قرار گرفته است. از این جهت، به





روزنامه چهل و چهارمین
جشنواره ملی فیلم فجر- شماره ۱۱
سه شنبه ۲۱ بهمن ۱۴۰۴
مدیر مسئول:
منوچهر شاهسواری
سر دبیر: علی افشار
همکاران تحریریه:
مهسا بهادری، محراب توکلی
پگاه زارعی، محمود اکبری کیا
مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
صفحه آرا: حسین احمدی
علیرضا تاجیک، حسین غیوری
ویراستار: مریم شرافتی
چاپ: نگار نقش
با تشکر از: مسعود نجفی
(مدیر خانه جشنواره)
مدیران روابط عمومی فیلم های
جشنواره فیلم فجر



تصویر امروز



به عقیده خبرنگاران و منتقدان حاضر در خانه جشنواره، این رویداد به نسبت ادوار برگزار شده در دوران پاسکرونا (از سال ۱۳۹۹ تاکنون) با فیلم های خوب بیشتری برگزار شده است.

اکران ۹ فیلم به سانس فوق العاده رسید



در ادامه اختصاص سانس های فوق العاده روزانه به فیلم های پرمخاطب جشنواره فجر، ۹ فیلم سینمایی حاضر در چهل و چهارمین دوره این رویداد در پی استقبال مخاطبان، شب گذشته (دوشنبه ۲۰ بهمن) در سانس فوق العاده روی پرده رفتند.

فیلم سینمایی «قایق سواری در تهران» به کارگردانی رسول صدرعاملی در ساعت ۲۲ در سالن قرمز شمیران سنتر و در ساعت ۲۲:۲۰ در سالن شهر هفتم پردیس آزادی نمایش درآمد. همچنین سالن ۱ پردیس مگامال، سالن های ۱ و ۳ زیممال و سالن سبلان بام نیایش در ساعت ۲۲ میزبان تماشاگران فیلم «نیم شب» ساخته محمدحسین مهدویان بودند.

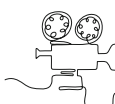
مخاطبان در سالن فاروس پردیس کورش و سالن اصلی سینما جوان در ساعت ۲۲:۱۵ و در سالن اصلی شکوفه در ساعت ۲۲ به تماشای فیلم سینمایی «زننده شور» ساخته کاظمی دانشی نشستند. سالن های ۱ و ۲ روناتو در ساعت ۲۲، سالن ۱ سینما فرهنگ در ساعت ۲۲ و سال ۶ مگامال در ساعت ۱۹ فیلم سینمایی «اسکورت» به کارگردانی یوسف حاتم کیا را به نمایش درآوردند و فیلم سینمایی «جانشین» به کارگردانی مهدی شامحمدی در سالن شهر هنر پردیس آزادی در ساعت ۲۲:۱۵ و سالن ۳ سینما رزمال در ساعت ۲۲ روی پرده رفت.

سالن دروازه ملل هدیش مال در ساعت ۲۲ میزبان «پل» به کارگردانی محمد عسگری، سالن کاخ آپادانا هدیش مال در ساعت ۲۰:۳۰ میزبان «سرزمین فرشته ها» به کارگردانی بابک خواجه پاشا، سالن اصلی سینما استقلال در ساعت ۲۱:۳۰ میزبان «اردوبهشت» به کارگردانی محمد داودی و سالن صدستون هدیش مال در ساعت ۲۱:۴۵ میزبان «گیس» به کارگردانی محسن جسور بودند.



روایت منحصر به فرد و باورپذیر مادر ایرانی در فیلم «شیار ۱۴۳» از یاد رفتنی نیست. فیلمی که در قلب های ما حک شد و نرگس آبیاری و مریلا زارعی، الفت را در قامت مام وطن در حافظه سینمایی مان به ثبت رساندند.

نگاه ایرانی



دانشگاهیان جایزه می دهند



فیلم های برتر با محوریت دانشگاه و دانشجو در چهل و چهارمین جشنواره ملی فیلم فجر، با عنوان «جایزه دانشگاهیان» در بخش تجلی اراده ملی، انتخاب و معرفی می شوند. جهاد دانشگاهی هنر همچون دوره گذشته، میزبانی جایزه دانشگاهیان در بخش «تجلی اراده ملی» این رویداد را بر عهده دارد. در این چارچوب، فیلم های حاضر در جشنواره با تمرکز بر موضوعاتی چون بازنمایی فضای دانشگاهی، مسائل و مطالبات دانشجویان، نقش پژوهش در فیلمنامه نویسی، تعمیق محتوای آثار ملی و تاریخی و حضور دانشگاهیان در فرآیند تولید آثار سینمایی مورد بررسی و داوری قرار می گیرند.

آخرین آرای مردمی تادیروز



نتیجه آرای فیلم های نمایش داده شده در روز هشتم جشنواره فیلم فجر بر اساس حروف الفبا، روز دوشنبه ۲۰ بهمن توسط ستاد انتخاب فیلم برگزیده از نگاه تماشاگران جشنواره فیلم فجر اعلام شد. فیلم های «اردوبهشت»، «اسکورت»، «جانشین»، «حاشیه»، «زننده شور»، «سرزمین فرشته ها»، «قایق سواری در تهران»، «کوچ» و «نیم شب» ۹ فیلم از مجموع ۳۱ فیلم حاضر در بخش مسابقه، برگزیده نگاه تماشاگران جشنواره فیلم فجر هستند. فهرست فیلم ها بدون اولویت است. انیمیشن «نگهبان خورشید» و فیلم «مولا» در رأی گیری مردمی مدنظر قرار نگرفته اند اما سایر فیلم ها تا پایان برگزاری چهل و چهارمین جشنواره فیلم فجر در فرآیند رأی گیری آرای مردمی قرار دارند.

روزنامه چهل و چهارمین
جشنواره ملی فیلم فجر
صفحه آخر

